

شاپور دوم (ذوالاکتاف) پادشاهی که رومی ها را زمین گیر کرد

۱۲ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۱۳

سوم دسامبر سال ۳۵۹ میلادی امپراتور روم، کنستانتیوس دوم II Constantius اولتیماتوم شدید اللحنی به این شرح از شاپور دوم (ذوالاکتاف) شاه وقت ایران از دودمان ساسانیان دریافت کرد: "پس از تحیت ... آگاه باش که طبق اسناد و مکتوب های موجود و نوشته های مورخان، اراضی و سرزمین های آن سوی رود خانه استرومون Strymon (که در تراکیه = تراس جریان دارد و به دریای اژه می ریزد) تا مرز مقدونیه متعلق به ایران بوده است.

سوم دسامبر سال ۳۵۹ میلادی امپراتور روم، کنستانتیوس دوم II Constantius اولتیماتوم شدید اللحنی به این شرح از شاپور دوم (ذوالاکتاف) شاه وقت ایران از دودمان ساسانیان دریافت کرد: "پس از تحیت ... آگاه باش که طبق اسناد و مکتوب های موجود و نوشته های مورخان، اراضی و سرزمین های آن سوی رود خانه استرومون Strymon (که در تراکیه = تراس جریان دارد و به دریای اژه می ریزد) تا مرز مقدونیه متعلق به ایران بوده است. آن امپراتور باید آنجا را از نیروهای مسلح خود تخلیه کند تا ماموران ما بتوانند در آن مناطق به جمع کردن مالیات و تمشیت امور بپردازند. اگر فرستاده من - حامل این یادداشت، دست خالی باز گردد، پس از پایان زمستان دستور خواهیم داد که ارتش این سرزمین ها را با توسل به زور پس بگیرد ... (نامه که با الفاظ مؤدبانه پایان می یابد موجود است)". این سند که از آرشیو امپراتوری روم به دست آمده در کتابهای تاریخ قرون قدیم مندرج است شاپور دوم قبلا و در همین سال با شکست دادن نیروهای رومی، سوریه را متصرف شده بود و آماده پیشروی در متصرفات روم در آناتولی غربی بود. امپراتور روم که درگیر دشواری های داخلی و نافرمانی بعضی از ژنرالهایش بود پاسخ نامه شاپور دوم را مکتوب به مشورت با سنای روم کرد. شاپور دوم منتظر پاسخ روم نماند و در بهار سال ۳۶۰ میلادی دست به حمله نظامی زد و پس از تصرف «بزآبده» به پیشروی خود ادامه داد. کنستانتیوس دوم امپراتور وقت دست به گردآوری نیرو زد که بیمار شد و تب شدید وی را از پای در آورد. جانشین او «ژولیان دوم» که در عین حال فلسفه دان و نویسنده بود برای جنگ با ایران نه تنها نیروهای رومی را بسیج کرد بلکه به اجیر کردن جنگجوی مزدور از قوم فرانک (ساکن شمال فرانسه، در آن زمان سرزمین گُل Gaul) و قوم ایلری (ساکن غرب یوگوسلاوی - کرواتهای امروز) دست زد و دو سال طول کشید تا برای لشکرکشی به شرق آماده شود. قوم آلمانی Alamanni (مردمی که در مرز فرانسه و آلمان زندگی می کردند، مردم منطقه راین - و فرانسویان به همین دلیل همه ژرمن ها را آلمانی و کشورشان را آلمان می خوانند) حاضر به همکاری و جنگ با ایرانیان نشدند. اعلامیه ۱۷ ژوئن سال ۳۶۲ ژولیان دوم بر ضد مسیحیان هم یکی از دلایل تأخیر حمله او به ایران شده بود. ژولیان در مسیر لشکرکشی خود به سوی ایران یک گوساله سفید هم قربانی معبد «ژئوس» کرد تا او را در جنگ یاری دهد! سرانجام، این لشکرکشی در ۳۶۳ میلادی با نیرویی که از حیث شمار و آزمودگی بی نظیر بود آغاز شد. شاپور دوم که از کم و کیف این نیرو آگاه بود تصمیم گرفت به جای سرحد، در عمق خاک ایران

با آن رو به رو شود. نیروهای انبوه ژولیان پس از این که به محل مورد نظر شاپور دوم که فاصله ای زیاد از تیسفون نداشت رسیدند خود را در محاصره واحدهای ارتش ایران یافتند و در جنگی که روی داد شکست خوردند و یک سوار پارسی ۲۶ ژوئن ۳۶۳ ژولیان در حال فرار را با پرتاب زوبین شدیداً مجروح کرد که همان شب درگذشت. وی سه سال امپراتور روم بود. طبق قانون روم، همانند ژنرالهای رومی «ژوویان Jovian» را از میان خود به عنوان امپراتور موقت انتخاب کردند و وی برای نجات بقیه نیروهای رومی با شاپور دوم وارد مذاکره شد و با دادن همه مناطقی را که شاپور خواهان آنها بود موافقت او را به ترک مخاصمه به دست آورد و واحدهای شکست خورده رومی را از آسیا بیرون برد. پاره ای از مورخان رومی نوشته اند که شاپور دوم در این جنگ از فیل جنگی استفاده کرده بود. جنگجویان مزدور فرانک و ایلریایی در بازگشت به اروپا از میهندوستی و ایستادگی و انضباط سرباز ایرانی داستانها تعریف کرده بودند که هنوز باقی مانده استطبق اسناد موجود، ژوویان از همه دعاوی رومیان در غرب قفقاز، فلسطین، سوریه و پنج منطقه در آناتولی صرف نظر کرد و ۱۸ پایگاه مرزی را برچید و پذیرفت که پیروان آیین زرتشت در قلمرو روم آزادی مذهبی داشته باشند و از بازرگانان ایرانی مالیات مضاعف گرفته نشود. ژوویان پس از بازگشت به روم در جلسه آخرین روز ماه اکتبر سنا حضور یافت تا از عمل خود و امتیازهای متعدد که به ایران داده بود دفاع کند که سناتور ها او را «هو» کردند و ژوویان نتوانست این تحقیر را تحمل کند و از درخواست رای تأیید صرف نظر کرد. وی که همچنان به حکومت کردن ادامه می داد از افسردگی (تحقیر در سنا) خارج نشد تا اینکه ۱۷ فوریه ۳۶۴ اعلام شد که از استنشاق گاز زغال درگذشته است. طبق نوشته برخی از مورخان، در اطاق در بسته با گاز زغال خودکشی کرده بود. حکومت او کوتاه بود. شاپور دوم که از پیش از تولد، شاه ایران شده بود و دوران سلطنتش بیش از عمرش بود قلمرو ایران را از آن سوی سیردریا (سیحون) تا مدیترانه گسترش داد. درباره خشونت وی نسبت به اعراب نوشته های متعدد در دست است از جمله سوراخ کردن شانه های آنان و گذرانیدن ریسمان از کتف هایشان، زیرا که در منطقه بحرین [عرب ها در آن زمان جزیره بحرین و شرق کشور سعودی امروزه و کویت را بحرین می گفتند] دست به نافرمانی و مهاجرت غیر مجاز زده بودند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۸۹۱/شاپور-دوم-شاه-ذوالاکتاف-دوم-شاپور>